مشکوة سال چهل و چهارم / ش ۱۶۸ / پاییز ۱۴۰۴
نوع مقاله: علمی ـ پژوهشی (ص ۳۰ ـ ۴۹)

تحلیل اخلاقی «برّ» در قرآن و حدیث با تأکید بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی

محمّدامین خوانساری[۱]

چکیده

در نظام اخلاق اسلامی، «برّ» یکی از مفاهیم بنیادینی است که ریشهٔ نیکوکاری و مسئولیت‌پذیری به‌شمار می‌آید. پژوهش پیش رو با روش توصیفی ـ تحلیلی و با تأکید بر قرآن و حدیث، به تحلیل اخلاقی و ابعاد مسئولیت‌پذیریِ مبتنی بر برّ از دیدگاه قرآن و حدیث می‌پردازد. برّ فقط یک توصیهٔ اخلاقی یا فضیلت فردی نیست، بلکه چهارچوبی جامع برای رفتار اخلاقی انسان در قبال خداوند، جامعه و خویشتن است. مسئولیت برآمده از برّ و نیکی، دوسویه‌ای متشکل از وظیفهٔ سلبی (پرهیز از شر، ظلم، تعدی و همکاری در گناه) و وظیفهٔ ایجابی (تحقق فعالانهٔ خیر، احسان، دفاع از مظلومان و ایثار) است. این مسئولیت مصادیق گسترده‌ای دارد که از احسان به والدین تا حمایت از نیازمندان، دفاع از مظلومان و پایبندی به اصول عدالت اجتماعی را شامل می‌شود. مسئولیت اخلاقیِ بر پایهٔ نیکی و برّ نه‌تنها به شناخت اولویت‌ها نیازمند است، بلکه باید با آگاهی نسبت به شرایط، حقوق دیگران و ظرفیت‌های فردی همراه باشد. در اخلاق مبتنی بر قرآن و حدیث، نیکی به‌عنوان کنشی آگاهانه مرحله‌بندی و تابع نظام هنجاری و ارزشی قلمداد می‌شود، به این معنا که نیکی نسبت به والدین، نزدیکان و نیکوکاران دارای اولویت‌های ویژه‌ای است. افزون بر این مفهوم یادشده دارای معیارهای هنجاری چندگانهٔ سودگرایانه، فضیلت‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه است.

۱. استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث. khansari.m@riqh.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۴ ـ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۸

کلیدواژه‌ها: اخلاق اسلامی، اخلاق قرآن و حدیث، بِرّ، مسئولیت‌پذیری، نیکی، نیکوکاری.

۱. مقدّمه

در منظومهٔ معرفتی اسلام، اخلاق ستون بنیادین زندگی معنوی و اجتماعی انسان است. یکی از مفاهیم کلیدی‌ای که در قرآن کریم و سنّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان بستر اساسی نیکوکاری و اخلاق اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، مفهوم برّ است. توضیح مطلب اینکه پیش از اسلام، جامعهٔ عربی بیشتر بر روابط قبیله‌ای و گاه انتقام فردی و قبیله‌ای متکی بود؛ اما قرآن با ارائهٔ مفهوم یادشده الگویی تازه معرفی کرد و از این طریق افراد را به نیکی و نیکوکاری آگاهانه و تعاون اجتماعی فراخواند. در احادیث اسلامی نیز توصیه‌های بسیاری دربارهٔ «خیررسانی و نفع رساندن به مردم» یا «صبر در برابر سختی‌ها و تحمل خطاهای دیگران» وجود دارد که موجب انسجام و تاب‌آوری جامعه در رویارویی با مشکلات فردی و اجتماعی می‌شود.

برّ واژه‌ای است که بار معنایی بسیار عمیقی دارد و در متون اسلامی به‌عنوان یکی از عالی‌ترین تجلیات اخلاق عملی و ایمان قلبی معرفی شده است. مسئولیت‌پذیری اخلاقی در اندیشهٔ اسلامی، با تکیه بر گزاره‌های وحیانی، از مفاهیم بنیادینی مانند برّ سرچشمه می‌گیرد.

برای برّ معانی و تفاسیر مختلفی بیان شده است. برّ (مادّهٔ ب ر ر) در لغت به معنای «گستردگی در خیر» بوده و در اصطلاح، به «نیکی قصدمند و آگاهانه» تعریف می‌شود. این واژه در معنایی جامع به معنای خیر و هر نوع عمل پسندیده است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۴/ ۵۲؛ زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۱۰۹). در برخی کتاب‌های فروق لغت، میان برّ و خیر تمایز قائل شده‌اند. برّ خیری است که با قصد و توجّه همراه باشد، ولی در خیر نه‌تنها قصد شرط نیست، بلکه گاه با سهو همراه است (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۸۷). همچنین خیر معنایی عام دارد، حال‌آنکه برّ به معنای نیکی آگاهانه و قصدمند است. افزون بر این برخی واژه‌شناسان عرب، بِرّ و «بَرّ» (فضای باز بیابان) را از یک ریشه دانسته‌اند که اشاره به

گستردگی و وسعت دارد. اصل بِرّ و نیکوکاری به معنای شفقت، احسان و وسعت در کار خیر است (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ۱/ ۴۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۴). بنابراین برّ مستلزم قصد و توجّه است، درحالی‌که خیر ممکن است، چنان‌که یادشد، سهواً محقق گردد. همچنین از نظر وجودشناختی، وسعت مفهومی بِرّ مانند گستردگی بَرّ به گستردگی و شمولیت مسئولیت انسان در قبال خداوند و خلق اشاره دارد.

هدف از پژوهش پیش رو تحلیل اخلاقی برّ در اخلاق قرآن و حدیث و تبیین ابعاد مسئولیت‌پذیری اخلاقی و بررسی معیارهای هنجاری است. این پژوهش از چهارچوب مباحث اخلاقی دربارهٔ مسئولیت‌پذیری و نظریه‌های هنجاری برای تحلیل اخلاقی برّ بهره می‌برد. چهارچوب یادشده که به‌طور کلّی در فلسفهٔ اخلاق غرب بسط یافته، مسئولیت را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی می‌کند. این چهارچوب همچنین به معیارهای «درستی» فعل توجه دارد و آن‌ها را در سه محور اصلی جست‌وجو می‌کند: فایده‌گرایی (تمرکز بر پیامدها و نتایج سودمند فعل)، وظیفه‌گرایی (تأکید بر انجام وظیفه و تکلیف، بدون توجه به نتایج) و فضیلت‌گرایی (تمرکز بر شخصیت و فضایل فاعل).

براساس دیدگاه فیلسوفان اخلاق، در وظیفه‌گرایی، درستی عمل به نتیجهٔ عمل نیست، بلکه براساس الزاماتی تعیین می‌شود که ممکن است عمل و عامل داشته باشند. در فایده‌گرایی نیز عمل درست عملی است که به وضعیتی خوب بینجامد و سرانجام در فضیلت‌گرایی، بر فضیلت و شخص دارای فضیلت تأکید می‌شود؛ یعنی کسی که از نظر اخلاقی قابل تحسین است (ویلیامز، ۱۳۸۳ش: ۴۱-۳۶؛ لاودن، ۱۳۹۲ش: ۳۹۱). به‌کارگیری این چهارچوب در کنار توجه به ادبیات قرآن و حدیث، به تطبیق موفق این بحث با ادبیات گستردهٔ فلسفهٔ اخلاق یاری می‌رساند.

پژوهش درپی پاسخ به پرسش‌های زیر است: تحلیل اخلاقی برّ در اخلاق قرآن و حدیث چیست؟ ساختار مسئولیت‌پذیری و سویه‌های سلبی و ایجابیِ مبتنی بر برّ چگونه تبیین می‌شود؟ مسئولیت ویژه و نظام اولویت‌بندی چیست؟ معیارهای هنجاری (فایده‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه) در شکل‌گیری برّ چه نقشی ایفا می‌کنند؟

آیا برّ فقط در یکی از چهارچوب‌های سه‌گانهٔ یادشده می‌گنجد یا اینکه فراتر از آن، الگویی ترکیبی و متعالی ارائه می‌دهد؟

روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است. داده‌های پژوهش نیز بر پایهٔ منابع کتابخانه‌ای، با تأکید بر قرآن کریم و تفاسیر معتبر و مجموعه‌های حدیثی، گردآوری شده و با رویکرد تحلیل مفهومی و استنتاج اخلاقی بررسی و طبقه‌بندی شده است.

۲. مسئولیت سلبی و ایجابی بر پایهٔ نیکوکاری و برّ

از آموزه‌های قرآن و حدیث دربارهٔ برّ و نیکی چنین فهمیده می‌شود که در این مفهوم، مسئولیت اجتماعی و الهی درنظر گرفته شده است. قرآن کریم انسان‌ها را در برّ و تقوا به یاری یکدیگر فراخوانده و درمقابل، آنان را از همکاری در گناه و تعدی نهی کرده است. این دوگانهٔ اخلاقی نشان می‌دهد که مسئولیت انسان در قبال دیگران فقط به انجام خیر خلاصه نمی‌شود، بلکه پرهیز از شر، ممانعت از بروز آن و واکنش فعالانه در برابر ظلم و زیان نیز بخشی از این مسئولیت گسترده است. به عبارت دیگر آموزه‌های قرآنی نه‌تنها از ما می‌خواهند که به دیگری سود برسانیم، بلکه از ما می‌طلبند که اسباب هرگونه ضرر و آسیب را از زندگی دیگران دور سازیم؛ چه با خودداری از انجام آن، چه با جلوگیری از تحقق آن به‌وسیلهٔ دیگران.

این مسئولیت دوسویه، در قالب «وظیفهٔ سلبی» (پرهیز از شر) و «وظیفهٔ ایجابی» (تحقق خیر)، ساختار اصلی برّ را شکل می‌دهد. براین‌اساس طبق سورهٔ مائده، انسان‌ها باید در نیکوکاری یاریگر همدیگر باشند و البته از همکاری در ارتکاب گناه و ظلم و تعدی به دیگران بپرهیزند: ﴿**وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ**﴾ (مائده/ ۲)؛ یکدیگر را در نیکی و پرهیزکاری یاری کنید و یکدیگر را در گناه و تجاوز یاری نکنید.

امر به تعاون در برّ و تقوا به این علت است که جامعهٔ مسلمان بر ایمان، برّ و عمل صالحِ ناشی از ترس از خداوند اجتماع کند و این همان صلاح و تقوای اجتماعی است. در مقابل، تعاون بر گناه که موجب محروم شدن از زندگی سعیده است، بر عدوان که

تعدی بر حقوق حقّهٔ مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵ / ۱۶۳).

یاری‌رسانی در نیکوکاری (تعاونوا) و جلوگیری از تجاوز و آسیب به دیگران (لا تعاونوا) نیز به اصول ایجابی و سلبی در نیکوکاری نظر دارد؛ به این معنا که افراد همان‌گونه که در قبال یکدیگر از جنبهٔ نیکوکارانه مسئولیت دارند، از جنبهٔ تجاوزکارانه نیز مسئولیت دارند که یاریگری نداشته باشند.

براساس روایات، برّ در مقابل «شر» قرار می‌گیرد. لازمهٔ برّ در نسبت با خداوند ایمان است و در نسبت با دیگران سودرسانی است؛ چنان‌که لازمهٔ شرّ شرک و زیان رساندن به بندگان است (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۳۵). بنابراین گام نخست در برّ نفی شرّ است که بالاترین نوع آن، نفی شرک و ضرر رساندن به دیگران است؛ مسئولیتی در قبال خداوند و بندگان. در مقابل، مسئولیت ایمان به خداوند و سودرسانی به بندگان او نیز که بالاتر از آن‌ها برّ و خیری نیست، از مصادیق اصلی برّ هستند.

برّ مصادیق گوناگونی دارد. این مفهوم در مراحل نخستین خود جنبهٔ سلبی دارد؛ چنان‌که اصل نیکوکاری نیز مراحل گوناگونی دارد که در مراحل نخستین، به‌صورت پرهیزی و سلبی و در مراحل بعدی به‌صورت درمانی و ایجابی ظاهر می‌شود. توضیح مطلب اینکه عامل نیکوکار، در نخستین مرحله، مسئولیت دارد که از رسیدن شر یا آسیب به دیگری از جانب خود یا دیگران جلوگیری کند یا آن را از میان بردارد. همچنین او مسئولیت دارد که به دیگران احسان و نیکی کند. این مسئولیت‌ها دارای اولویت‌بندی هستند؛ یعنی فرد افزون بر اینکه خود نباید به دیگران شر برساند (اصل پرهیزی)، باید از رسیدن هر شرّ و آسیبی به دیگران جلوگیری کند (اصل سلبی ـ دفاعی) یا آن‌ها را از بین ببرد (اصل سلبی ـ درمانی) و به‌دنبال خیررسانی و نیکی به دیگران باشد (اصل ایجابی).

از نظر ایجابی، مصداق‌ها و نشانه‌های گوناگونی برای برّ بیان شده است؛ برای نمونه: ﴿**لَيسَ الْبِرَّأَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكنَّ الْبِرَّمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيوْمِ الْآخِرِوَ الْمَلائِكةِ وَ الْكتابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمالَ عَلى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبىٰ وَ الْيتامىٰ وَ الْمَساكينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السّائِلِينَ وَ**

فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۱۷۷)؛ نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی بر خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آوَرَد، مال خود را با وجود دوست داشتن به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و درراه‌ماندگان و نیازخواهان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپا دارد و زکات را بدهد و آنان که چون پیمان ببندند، به پیمان خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایان‌اند، آنان‌اند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگاران‌اند.

در این آیهٔ شریفه، در کنار مفهوم‌شناسی برّ به مصادیق برّ و ابرار پرداخته شده است: آنان به خداوند ایمان دارند **﴿مَنْ آمَنَ بِاللهِ﴾**؛ ایمانی کامل که اثرش هرگز از ایشان جدا نمی‌شود و تخلف نمی‌کند. آنان از نظر عملی نیز رفتارهای دیگرگرایانه‌ای دارند؛ ازجمله اینکه مال خود را، باوجود دوست داشتن، به دیگران می‌دهند **﴿آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ﴾**، وفای به عهد دارند **﴿الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا﴾**، شکیبایی و صبر دارند **﴿الصّابِرِینَ﴾** و صادق‌اند. در این آیه، صدق به‌صورت مطلق آورده شده و به زبان، اعمال قلب و دیگر جوارح مقید نشده **﴿أُولئِک الَّذِینَ صَدَقُوا﴾** و سرانجام اینکه آنان پرهیزکارند **﴿وَ أُولئِک هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾**.

براساس حدیث علوی، بالاترین مقام نیکی آن است که فرد نیکی را با نیکی پاسخ دهد و در مقابل آزار و اذیت دیگران مقاومت و تحمل کند تا بتواند به مقام کمال برسد: الإمام علی علیه‌السلام: «مَن اتَّبَعَ الإحسانَ بِالإحسانِ، وَاحتَمَلَ جِناياتِ الإخوانِ وَالجيرانِ، فَقَد أكمَلَ البِرَّ»؛ هرکه نیکی را با نیکی دنبال کند و گناهان [و بدرفتاری‌های] برادران و همسایگان را تحمّل کند [و درصدد تلافی برنیاید]، نیکی را به کمال رسانده است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸ق: ۶۶۳).

براین‌اساس، اوج نیکوکاری در تداوم نیکی و تحمل خطاهای دیگران، بدون واکنش منفی است. این آموزهٔ اخلاقی انسان را به چنان مسئولیت‌پذیری‌ای رهنمون می‌سازد که

براثر آن، انسان نیکوکار نه‌تنها خود، عامل خیر است، بلکه محیط پیرامون خویش را نیز از شرّ و آسیب تطهیر می‌کند.

ازاین‌رو بر پایهٔ آیات قرآن و احادیث اسلامی، برّ مسئولیت‌های انسانی را در دو محور اصلی سلبی و ایجابی بازتعریف می‌کند: وظیفهٔ فرد پرهیز از هرگونه آسیب‌رسانی، شر، ظلم و مشارکت در گناه است. این مسئولیت سلبی، نخستین گام در تحقق نیکوکاری اصیل است؛ چراکه بی‌توجهی به آن می‌تواند به همیاری در افزایش شرور و کاهش خیر بینجامد؛ مانند سکوت در برابر ظلم. در گام‌های بعدی، مسئولیت ایجابی وارد میدان می‌شود؛ جایی که انسان موظف است فعالانه در مسیر سودرسانی، کمک به نیازمندان، دفاع از مظلومان، وفای به عهد و صبر در مواجهه با سختی‌ها گام بردارد. براین‌اساس برّ و نیکی تنها مسئولیتی در قبال خداوند نیست، بلکه همچنین مسئولیتی است در قبال دیگران که مسئولیت‌هایی مانند عمل صالح، وفاداری، ایثار و ایستادگی در برابر سختی‌ها و تجاوزها را در بر می‌گیرد. سرانجام می‌توان نتیجه گرفت که برّ در منطق وحی، الگوی جامع مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال خداوند و خلق است که از پرهیز از شر آغاز می‌شود و به سودرسانی به دیگران می‌انجامد و در اوج تحمل، وفا و ایثار به کمال خود می‌رسد.

نوع مسئولیت	تعریف	مصادیق
مسئولیت سلبی	پرهیز از رساندن شرّ و آسیب و همکاری در گناه	ـ نهی از تعاون بر اثم و عدوان ـ پرهیز از شرک و رساندن ضرر به بندگان
مسئولیت ایجابی	اقدام فعال برای تحقق خیر و نیکی و تداوم نیکوکاری	ـ احسان به والدین و نیازمندان ـ انفاق ـ تحمل خطای برادران و همسایگان

جدول ۱: دو سویهٔ مسئولیت‌پذیری

۳. مسئولیت ویژه و نظام اولویت‌بندی

یکی از مؤلفه‌های مهم در اخلاق اسلامی توجه به نظام اولویت‌بندی در نیکی‌ها و تشخیص مسئولیت‌های ویژه است. درحالی‌که نیکوکاری به‌عنوان ارزشی مطلق و فراگیر در متون دینی مورد تأکید قرار گرفته، اخلاق اسلامی بر این نکته تأکید دارد که نیکوکاری در مقام عمل تابع مراتب، شرایط و اقتضائات خاصی است. نیکی هنگامی که با درک درست از موقعیت، حق دیگران و توان عامل اخلاقی همراه باشد، کارآمدتر و مؤثرتر خواهد بود؛ ازاین‌رو در تعیین مصادیق شایسته‌تر نیکی، مانند نیکی به پدر و مادر، خویشاوندان، و نیازمندان، مرزهای دقیق‌تری ترسیم کرده‌اند. درواقع در این دیدگاه، مسئولیت اخلاقی تابعی از حق، نیاز و پیوند انسانی است؛ نه صرفاً وابسته به تعلقات شخصی یا احساسات فردی.

در سنّت روایی، به سزاوارترینِ مردم به نیکی به‌تفصیل پرداخته شده است. براساس این دیدگاه، هرچند مطلقِ نیکوکاری امری پسندیده است، چنین نیست که عامل اخلاقی باید به‌طور یکسان به همه‌کس نیکی کند، بلکه ارزش نیکی برحسب مراتب و اقتضائاتی، متفاوت می‌شود. بنابراین در برخی موارد، نیکی به پدر و مادر، خویشاوندان، نیکان، آزادگان، نیازمندان، یتیمان، دوستان پدر و اهل قبور مورد تأکید بیشتری قرار گرفته و برای روابط نسبی و سببی مراتبی لحاظ شده است (بنگرید به: محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۱ش: ۱۲/ ۲۹۷-۳۰۱). همچنین نیکی نسبت به کسی که در حق انسان نیکی کرده، توصیه شده است.

نکته‌ای که باید مدنظر داشت، این است که این اولویت‌ها و معیارها را نباید تنها خودگرایانه و به این علت که فرد به آن‌ها تعلقات فردی دارد، تفسیر کرد، بلکه می‌توان از این دیدگاه تحلیل کرد که گاهی وسع عامل اخلاقی متفاوت است و گاه مسئولیت ویژه‌ای وجود دارد؛ برای نمونه حقی که دیگری بر عامل اخلاقی دارد.

اولویت	گروه هدف	علّت
اولویت اول	والدین	حق تربیت و تداوم مسئولیت بین‌نسلی
اولویت دوم	خویشاوندان	پیوند نسبی و سببی
اولویت سوم	نیازمندان، یتیمان و درراه‌ماندگان	شدت نیاز و جبران آن
اولویت چهارم	عموم انسان‌ها	مسئولیت اجتماعی

جدول۲: نظام اولویت‌بندی در نیکوکاری

این نظام اولویت‌بندی را می‌توان پاسخی به یک پرسش بنیادین در فلسفهٔ اخلاق دانست: آیا ما در قبال همهٔ انسان‌ها مسئولیت اخلاقی داریم و آیا این مسئولیت نسبت به همهٔ آن‌ها یکسان و مساوی است؛ یعنی فرقی بین افراد غریبه و بستگان وجود ندارد؟ به‌نظر می‌رسد اخلاق اسلامی با طرح این اولویت‌ها، با هوشمندی، میان جهان‌شمول بودن ارزش نیکی و ویژه بودن برخی مسئولیت‌ها توازن برقرار می‌کند. این نظام اولویت‌بندی نه‌تنها کارآمد است، بلکه نقدی است بر دیدگاه‌هایی که بر مفاهیمی مانند برابری یا بی‌طرفی تأکید دارند یا بر نظریه‌هایی که روابط خاص انسانی مانند رابطهٔ والد ـ فرزندی را نادیده می‌گیرند. از دیدگاه اخلاق اسلامی، اولویت را باید بر پایهٔ حقوق الهی ـ انسانی، نه صِرف برابری، قرار داد. وفاداری به این مسئولیت‌های ویژه، خود، زمینه‌ساز تحکیم نهاد خانواده و اجتماع و سرانجام، تحقق عدالت در گسترده‌ترین سطح است.

۴. علل و معیارهای هنجارین

مسئولیت اخلاقیِ برپایهٔ مفهوم برّ و نیکوکاری وجوه و معیارهای گوناگونی دارد که در گزاره‌های دینی به آن‌ها توجه شده است. در آموزه‌های اخلاق اسلامی، دربارهٔ نیکوکاری و برّ فقط به یک رفتار یا فضیلت تک‌بعدی توجه نشده، بلکه این پدیده معیارمند، چندبعدی و هنجارین است. متون دینی، از قرآن کریم تا احادیث معصومین علیهم‌السلام، به ابعاد مختلف نیکی پرداخته‌اند؛ از انگیزه‌های درونی و پیامدهای بیرونی آن گرفته تا معیارهای شناخت ابرار و شیوه‌های تحقق خیر برای دیگران. براین‌اساس برّ نه‌تنها برپایهٔ

عاطفه یا وظیفه، بلکه به‌عنوان کنشی الهی، عقلانی، سودمند و فضیلت‌محور تبیین شده است. این نگاه چندلایه، مسئولیت اخلاقی انسان را از سطح فردی به سطح اجتماعی گسترش می‌دهد. بر پایهٔ این تحلیل، مسئولیت اخلاقی مبتنی بر برّ و نیکی بر معیارهای فایده‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه استوار است.

۱-۴. انگیزه‌های فرجام‌نگر (معیارهای فایده‌باورانه)

اینجا دربارهٔ پاداش‌های دنیوی مانند افزایش طول عمر، آرامش درونی، رفاه جمعی یا سود و پاداش اخروی مانند تجارت سودآور با خدا (متجر رابح) که سرمایهٔ آن اطاعت و برّ است، گفت‌وگو می‌شود.

در قرآن کریم، یکی از معیارهای کلیدی و قطعی برای رسیدن به برّ و مقام ابرار، انفاق از آن چیزی است که شخص دوست دارد. در واقع دستیابی به نیکوکاری میسر نیست، مگر اینکه انسان از آنچه برای خویش دوست دارد، بگذرد و از هرچه دارد، انفاق کند: ﴿**لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِيمٌ**﴾ (آل عمران / ۹۲)؛ هرگز به نیکی نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید و از هرچه انفاق کنید، قطعاً خدا بدان داناست.

مصادیق برّ گوناگون‌اند. جهاد، نماز، وفای به عهد، ایمان و عمل صالح از نمونه‌ها و مصداق‌های برّ معرفی شده‌اند. انفاق نیز به معنای خرج کردن و گذشتن از مال و منافع شخصی است. هدف از انفاق فقط فقرزدایی نیست، بلکه رشد انفاق‌کننده نیز مطرح است. دل کندن از محبوب‌های خیالی و شکوفا شدن روح سخاوت، از مهم‌ترین آثار انفاق برای انفاق‌کننده است (قرائتی، ۱۳۸۲ش: ۱/ ۵۶۲).

توجه به پیامدهای عمل به عامل اخلاقی انگیزه می‌بخشد؛ چراکه او را به درک این حقیقت می‌رساند که برّ صِرف یک تعهد یا فضیلت اخلاقی نیست، بلکه ثمربخش است. در برخی از احادیث دینی، به نتایج برّ و عمل نیکوکارانه توجه و آگاهی داده شده است:

ـ رسول خدا ﷺ: «إنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَاباً الْبِرُّ»؛ همانا پاداش نیکی کردن زودتر از هر کار خوب دیگری می‌رسد (برقی، ۱۳۷۱ق: ۱/ ۲۹۲).

ـ امام علی علیه‌السلام: «اَلطَّاعَةُ وَ فِعْلُ الْبِرِّ هُمَا الْمَتْجَرُ الرَّابِحُ»؛ فرمان‌بری [از خدا] و انجام دادن کار نیک، دو تجارت سودآورند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸ق: ۱۲۵).

استفاده از ترکیب «متجر رابِح» بیانگر نگرشی عقلانی و حتی اقتصادی به اخلاق است. در این نگاه، برّ و طاعت خداوند، سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که ضرر ندارند. نیکی خردمندانه‌ترین عمل انسان است؛ چون عاقبت‌به‌خیر و پرسود است. افزون بر این در روایاتی، دستیابی به نتایج دیگری برای فرد نیکوکار ذکر شده است؛ مانند افزایش طول عمر یا آرامش:

ـ امام کاظم علیه‌السلام: «مَن حَسُنَ بِرُّهُ بإخْوانِهِ وأهلِهِ مُدَّ في عُمرِهِ»؛ هرکس به برادران و خانوادهٔ خود نیکی کند، عمرش دراز می‌شود (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۳۸۸).

ـ رسول خدا ﷺ: «البِرُّ ما سَكَنَت إلَيهِ النَّفسُ، وَ اطمَأَنَّ إلَيهِ القَلبُ، وَ الإثمُ ما لَم تَسكن إلَيهِ النَّفسُ، وَ لَم يطمَئِنَّ إلَيهِ القَلبُ، وَ إن أفتاكَ المُفتُونَ»؛ نیکی آن است که دل با آن آرام گیرد و قلب با آن اطمینان یابد و گناه آن است که جان به آن آرام نشود و قلب با آن اطمینان نیابد؛ هرچند فتوادهندگان، تو را [برخلاف آنچه احساس می‌کنی] فتوا دهند (متقی هندی، ۱۴۰۴ق: ۳/ ۴۲۶).

ـ رسول خدا ﷺ: «الْبِرُّ مَا طَابَتْ بِهِ النَّفْسُ وَ اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ وَ الْإِثْمُ مَا جَالَ فِي النَّفْسِ وَ تَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ»؛ نیکی آن چیزی است که در جان بنشیند و دل بدان آرام گیرد و گناه آن چیزی است که در جان آرام نگیرد و در سینه بی‌تابی کند (بنگرید به: محمّدی ری‌شهری، ۱۴۳۲ ق: ۷/ ۴۰۹).

یکی از آموزه‌های اخلاقی بنیادین در قرآن و حدیث، برّ و نیکوکاری نسبت به والدین است. این آموزه در قالب‌های مختلفی قرار گرفته که ازجملهٔ آن‌ها دیگرگرایی متقابل است:

ـ امام صادق علیه‌السلام: «بِرُّوا آبَاءَكُمْ يَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ»؛ به پدران خود نیکی کنید تا فرزندانتان به

شما نیکی کنند (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ش: ۱/ ۵۳۳).

در نگاه نخست، این حدیث ممکن است خودگرایانه یا دعوت به نیکی کردن برای برخوردار شدن از نیکی متقابل در آینده تفسیر شود؛ اما تأمل در روایت نشان می‌دهد که آموزه‌ای فردمحورانه نیست، بلکه آینده‌نگرانه و در راستای تداوم مسئولیت‌پذیری است. فردی که به والدین خویش نیکی می‌کند، افزون بر عمل به تکلیف اخلاقی، الگویی برای فرزندان خود ارائه می‌دهد و از این طریق بر رفتار نسل آینده تأثیر می‌گذارد. این روایت، مبنایی برای درک مسئولیت اخلاقی نسبت به نسل‌های پیشین و پسین ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، دیگرگرایی متقابل را نباید تنها خودگرایانه تفسیر کرد، بلکه آغازی برای دیگرگرایی است. براساس این روایت می‌توان چنین برداشت کرد که انسان نسبت به نسل پیشین خویش، مانند والدین مسئولیت اخلاقی دارد و یکی از علل این مسئولیت‌پذیری، امتداد مسئولیت به نسل‌های آینده است. در واقع انسان مسئولیتش را باید به این هدف انجام دهد که نسل آینده نیز نسبت به او مسئولیت‌پذیر شود.

یکی از اهداف اساسی در برّ، خیرخواهی برای دیگران است:

ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: «عَلَيكَ بِالبِرِّ فَإِنَّ صاحِبَ البِرِّ يُعجِبُهُ أن يَكونَ النّاسُ بِخَيرٍ وَفي خِصبٍ»؛ بر تو باد نیکی کردن که نیکوکار خوش دارد که مردم در خوبی و رفاه باشند (**نهج الفصاحه**، ۱۳۸۲ش: ۵۶۸؛ محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۱ش: ۱۲/ ۲۸۶).

همان‌گونه که ایمان در مقابل شرک قرار دارد، نفع و سودرسانی به دیگران نیز به‌عنوان یکی از اولویت‌های برّ و نیکوکاری، در مقابل زیان رساندن به دیگران قرار می‌گیرد. این تقسیم‌بندی در واقع نوعی ترکیب دوگانه از ساحت نظری (باور/ ایمان) و ساحت عملی (رفتار با دیگران) در اخلاق دینی است. از نظر دین، نیکی تنها به بُعد فردی یا باطنی (ایمان قلبی) منحصر نمی‌شود، بلکه باید در عرصهٔ رفتار اجتماعی نیز تجلی یابد:

ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ البِرِّ شَيءٌ: اَلْإِيمَانُ بِاللهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللهِ، وَ خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيءٌ: اَلشِّرْكُ بِاللهِ وَالضُّرُّ لِعِبادِ اللهِ»؛ دو خصلت است که بالاتر از آن‌ها خیری نیست: ایمان به خدا و سودرسانی به بندگان خدا و دو خصلت است

که بالاتر از آن‌ها شرّی نیست: شرک ورزیدن به خدا و زیان رساندن به بندگان خدا (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۳۵).

این حدیث شریف، ساختاری دوگانه از ارزش‌های اخلاقی را به تصویر می‌کشد که براساس آن، ایمان به خدا و نفع‌رسانی به مردم به‌عنوان عالی‌ترین نمودهای نیکی (برّ) وصف شده و در مقابل، شرک به خداوند و زیان‌رسانی به مردم به‌عنوان اوج شرّ معرفی می‌شوند.

۲-۴. انگیزه‌ها و فرمان‌های الهی

در اخلاق دینی، امر به نیکی صرفاً توصیه یا موعظهٔ اخلاقی نیست، بلکه امری الهی و الزام‌آور است. همان‌گونه که در قرآن کریم امر شده است که ﴿**وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**﴾ (بقره/ ۱۹۵)، نیکوکاری راهی برای جلب محبت الهی و نشانه‌ای از بندگی صادقانه است. در این نگاه، خداوند نیکوکار مطلق و الگوی برّ است. در قرآن، خداوند با صفاتی چون «البَرّ»، «الرّحیم»، «الکریم»، و «الغفور» توصیف شده است. انسان در راستای پیروی از اسماء الهی، مأمور به برّ و احسان است. در واقع نیکی انسان بازتابی از نیکی خداوند در عالم وجود اوست. چنان‌که آمد، قرآن خداوند را نیکوکار و مهربان توصیف می‌کند: ﴿**إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ**﴾ (طور/ ۲۸). همچنین در ادعیه و روایات، «البَرُّ وَالبِرُّ وَالبارّ» ازجمله اوصاف خداوند برشمرده شده‌اند. خدا نیکی، نیکی‌کننده و نیکوکار علی‌الاطلاق است؛ زیرا مبدأ همه نیکی‌ها و نیکوکار مطلق است. ازاین‌رو میزان تقرّب و نزدیکی به خداوند به میزان نیکوکاری بازبسته است و هرکه به او نزدیک‌تر شود، مانند ملائک، انبیاء و اولیای الهی و مؤمنان، در زمرهٔ ابرار قرار می‌گیرد. خداوند الگوی برّاست و انسان باید بکوشد مانند او نسبت به دیگران برّ و خیرخواهی داشته باشد:

ـ امام صادق علیه‌السلام: «تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ»؛ با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید، به هم نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید و همچنان که خداوند عزّوجلّ به شما دستور داده، برادرانی نیکوکار باشید (کلینی،

۱۴۲۹ق: ۳ / ۴۴۸).

این وظیفه‌گرایی تنها الهیاتی نیست، بلکه جنبهٔ عقلانی نیز دارد. این نکته در روایات نیز آمده است:

ـ امام علی علیه‌السلام: «إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَ الْعَمَلِ بِهِ»؛ اندیشه کردن [انسان را] به نیکی و عمل به آن می‌کشاند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۳ / ۱۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۶۸ / ۳۲۸).

۳-۴. سرشت نیکوکاران و فضایل ابرار

در برخی از روایات افزون بر معیارهای فایده‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه، ابرار همچون صاحبان فضیلت و خصلت‌های نیکو معرفی شده‌اند. بنابر برخی احادیث و منابع اسلامی، نیکوکاران (ابرار) دارای ویژگی‌هایی چون حلم، فروتنی، گذشت، سخاوت، مهربانی و حسن‌خلق‌اند. این پیوندِ اخلاق فردی با مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد که نیکوکاری بخشی از شخصیت و سرشت پاک انسان مؤمن است. ایثارگری و ازخودگذشتگی نیز ازجمله ویژگی‌های ابرار و خصلت‌های نیکوکاران است: «الإِيثارُ سَجِيةُ الأَبرارِ وَ شيمَةُ الأَخيارِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸ق: ۱۲۸).

همچنین در برخی روایات، طبیعت ابرار طبیعتی خیربردار دانسته شده است؛ یعنی هرچقدر خیر بر آن بار شود، تحمل می‌کند. براین‌اساس می‌توان گفت که نیکوکاری امری سرشتی است و نیکوکاران طبیعتی دارند که تحمل بیشتری در امور خیر دارد. از جمله مصداق‌های برّ در روایات، فضایل اخلاقی و صفات خیرخواهانه است.

«البِرُّ عَمَلٌ صالِحٌ». «البِرُّ عَمَلٌ مُصلِحٌ». «البِرُّ حُسنُ الخُلُقِ». «البِرَّ فِي السَّكينَةِ وَالوَقارِ». «البِرُّ شَيءٌ هَينٌ، وَجهٌ طَليقٌ وكلامٌ لَينٌ». «البِشرُ أَوَّلُ الْبِرِّ». «حُسنُ الخُلُقِ رَأسُ كُلِّ بِرٍّ». «أكبَرُ البِرِّ الرِّفقُ». «طولُ الإِصطِبارِ مِنْ شِيَمِ الأَبرارِ». «إِنَّمَا طَبائِعُ الأَبرارِ طَبائِعُ مُحتَمِلَةٌ لِلخَيرِ». «نُفوسُ الأَبرارِ نافِرَةٌ مِن نُفوسِ الأَشرارِ». «إِنَّ الحَياءَ وَالعِفَّةَ مِن خَلائِقِ الإِيمانِ، وإِنَّهُما لَسَجِيةُ الأَحرارِ وشيمَةُ الأَبرارِ». «استَشعِرِ الحِكمَةَ وتَجَلبَبِ السَّكينَةَ، فَإِنَّهُما حِليةُ الأَبرارِ». «الزَمِ الصِّدقَ وَالأَمانَةَ، فَإِنَّهُما سَجِيةُ الأَبرارِ» (بنگرید به: محمّدی ری‌شهری،

۱۳۹۱ش: ۱۲/ ۲۶۶-۳۴۰).

این گزاره‌های روایی، توصیفی از مفهوم نیکوکاری در سنّت اسلامی ارائه می‌دهند. در این نگاه، برّ کیفیتی وجودی، منشی زیستی و سلوکی درونی و بیرونی است: «عَمَلٌ صالِحٌ» نشان‌دهندهٔ پیوند برّ با اعمال شایسته‌ای است که با معیارهای الهی هم‌راستا هستند، «عَمَلٌ مُصلِحٌ» بُعد اجتماعی برّ را نشان می‌دهد؛ یعنی نیکی حقیقی آن است که به اصلاح جامعه بینجامد و «حُسنُ الخُلُقِ» به‌عنوان جوهرهٔ اصلی برّ مطرح می‌شود. در بخش دوم نیز بر جلوه‌های رفتاری و منش‌های شخصیتی نیکوکاران تأکید می‌شود: آرامش و وقار نشانهٔ عمق برّ در شخصیت انسان است (البِرُّ فِي السَّكينَةِ وَالوَقارِ)، برّ در رفتار ساده، چهرهٔ گشاده و گفتار نرم متبلور می‌شود (البِرُّ شَيءٌ هَينٌ، وَجهٌ طَليقٌ وكلامٌ لَينٌ) و خوش‌رویی نقطهٔ آغاز نیکوکاری است (البِشرُ أوَّلُ البِرِّ). همچنین براساس این روایت، اخلاق نیکو بنیاد همهٔ نیکوکاری‌هاست (حُسنُ الخُلُقِ رَأسُ كلِّ بِرٍّ)، مدارا و نرمی بالاترین مصداق نیکی است (أكبَرُ البِرِّ الرِّفقُ) و صبوری و استقامت، ویژگیِ خُلقیِ پایدارِ نیکان است (طولُ الإصطبارِ مِن شِيَمِ الأَبرار).

اینجا برّ نه یک کنش اتفاقی، بلکه حالتی از شخصیت درونی قلمداد می‌شود که به‌مرور زمان و تربیت دینی ـ اخلاقی در جان انسان نهادینه می‌شود. براساس این روایت، طبع ابرار به‌گونه‌ای است که بار خیر را تاب می‌آورد: «إنَّما طَبائِعُ الأَبرارِ طَبائِعُ مُحتَمِلَةٌ لِلخَير». ذات پاک ایشان نیز از شرارت بیگانه و گریزان است: «نُفُوسُ الأَبرارِ نافِرَةٌ مِن نُفُوسِ الأَشرار». در این توصیف، ابرار نه‌تنها نیکوکارند، بلکه نیک‌سرشت‌اند؛ یعنی نوعی تطابق میان فطرت درونی و کنش‌های بیرونی در آن‌ها برقرار است. افزون بر این، میان نیکوکاری و مفاهیمی مانند ایمان پیوند برقرار است: ـ «إنَّ الحَياءَ وَالعِفَّةَ مِن خَلائِقِ الإيمانِ، وإنَّهُمَا لَسَجِيَةُ الأَحرارِ وَشيمَةُ الأَبرار»؛ حیا و عفاف نه‌تنها از خوی‌های ایمانی، بلکه از ویژگی‌های ذاتی آزادگان و نیکان‌اند:

ـ «استَشعِرِ الحِكمَةَ، وَتَجَلبَبِ السَّكينَةَ، فَإنَّهُما حِليَةُ الأَبرار»؛ آرامش و حکمت زیور همیشگی ابرارند.

ـ «الـزَمِ الصِّـدقَ وَالأَمانَـةَ، فَإِنَّهُمـا سَـجِيةُ الأَبـرار»؛ صـداقت و امانـت‌داری صـفات نهادینه‌شدهٔ نیکوکاران‌اند.

در اینجا برّ به‌مثابهٔ ترکیب پیچیده‌ای از عقلانیت، هیجانات کنترل‌شده و التزام به اصول اخلاقی معرفی شده که همه به‌صورت درونی و پایدار در شخصیت نیکوکاران قرار گرفته‌اند.

با توجه به گسترهٔ معنایی و مفهومی برّ در قرآن و سنّت، نیکوکاری در منظومهٔ دینی اسلام نه تنها یک رفتار نیک، بلکه منش و سلوکی جامع است که بر پایهٔ عقل، محبت، مسئولیت و پیروی از الگوی الهی شکل می‌گیرد. معیارهای نیکوکاری در متون دینی، شامل آثار فردی مانند آرامش، طول عمر و پاداش اخروی و آثار اجتماعی مانند افزایش رفاه، ایجاد پیوند میان نسل‌ها و ترویج خیر جمعی است. افزون بر این، نیکی به دیگران راهی برای نزدیک شدن به صفات خداوند که خود «البَرُّ الرّحیم» است، به‌شمار می‌آید. سرانجام اینکه نیکوکاری از دیدگاه دینی فراتر از فایده‌گرایی یا وظیفه‌گرایی صرف، فضیلتی درونی، عقلانی و متعالی است که زمینه‌ساز رشد شخص، جامعه و تقرب الهی می‌شود. از این دیدگاه، هر مؤمنی مسئول گسترش خیر در زمین و تجلی صفات الهی در رفتار خویش است.

معیار	محتوا	نمونهٔ مستند
فایده‌گرایی	توجه به پاداش اخروی و نتایج دنیوی (آرامش و افزایش عمر)	أسرَعُ الخَیرِ ثَواباً البِرُّ
وظیفه‌گرایی	عمل به تکلیف الهی و پیروی از اوامر خداوند	تَواصَلوا وَ تَبارُّوا ... کما أَمَرَکُمُ اللهُ
فضیلت‌گرایی	تکوین شخصیت صاحب فضیلت و منش نیکو	حُسنُ الخُلُقِ رَأسُ کُلِّ بِرٍّ

جدول ۳: معیارهای هنجاری برّ

ارزیابی برّ در منظومهٔ قرآن و حدیث نشان داد که این مفهوم در قالب یکی از سه مکتب یادشده محدود نمی‌شود، بلکه نگاهی ترکیبی و چندلایه ارائه می‌دهد. توضیح مطلب اینکه برّ اگرچه مانند وظیفه‌گرایی بر تکلیف و امر الهی تأکید دارد، همچون برخی رویکردهای این مکتب که مسئولیت را به‌عنوان الزام فردی می‌بینند، تنها به این معنا بسنده نمی‌کند و از دیگر معیارها غفلت نمی‌ورزد. از سوی دیگر این مفهوم اگرچه مانند فایده‌گرایی به پیامدهای سودمند عمل برای فرد و جامعه توجه دارد، منحصر در آن نمی‌شود و سرانجام اینکه مانند فضیلت‌گرایی بر فضیلت و فضیلت‌مندی تأکید می‌کند. این نگاه تلفیقی برّ را به مفهومی مقاوم در برابر نقدهای وارد بر هریک از سه مکتب یادشده (مانند بی‌توجهی وظیفه‌گرایی به نتایج و بی‌تعهدی فایده‌گرایی به اصول ثابت) تبدیل می‌کند. براساس اخلاق قرآن و حدیث، برّ به جنبه‌های الهی، اجتماعی و فردی می‌پردازد که این برآمده از نگاه چندبُعدی به انسان است و مسئولیت‌پذیری و تاب‌آوری انسان در زندگی اجتماعی امروز را افزایش می‌دهد.

نتیجه

بررسی مفهوم برّ در قرآن و حدیث نشان می‌دهد که این واژه فقط به معنای نیکی ساده نیست، بلکه چهارچوبی نظام‌مند برای تعریف و اجرای مسئولیت اخلاقی در اسلام است. برّ به‌مثابهٔ مفهومی متعالی در حوزهٔ اخلاق، جنبه‌هایی از فضیلت‌گرایی، وظیفه‌محوری و نتیجه‌گرایی را در بر می‌گیرد.

مسئولیت‌پذیریِ برپایهٔ برّ و نیکی را می‌توان از دو جنبهٔ سلبی و ایجابی تبیین کرد که نخستین بُعد آن بُعد سلبی است؛ یعنی پرهیز از مشارکت در گناه، ظلم، ضرر و آسیب رساندن به دیگران. این بخش، پایه‌ای‌ترین گام در ورود به ساحت برّ است. انسان پیش از اینکه خود را موظف به احسان بداند، باید از شرّ و تعدی بپرهیزد و زمینه‌های بروز شر در جامعه را حذف کند. این وجه سلبی، مسئولیت اخلاقی را به کنشی منفعلانه یا تنها واکنشی محدود نمی‌کند، بلکه از فرد می‌خواهد فعالانه در جلوگیری از گناه و ضرر

نقش‌آفرین باشد. در بعد ایجابی نیز مسئولیت مؤمنان انجام خیر، حمایت از مستضعفان، احسان به نیازمندان، وفای به عهد و صبر در برابر سختی‌هاست. قرآن کریم در آیهٔ ۱۷۷ سورهٔ بقره بر این مصادیق تأکید کرده و آن‌ها را نشان‌دهندهٔ صداقت ایمان و تقوا دانسته است. براین‌اساس، ابرار نه‌تنها عمل خیر انجام می‌دهند، بلکه در برابر رنج دیگران بی‌تفاوت نمی‌مانند و همواره برای سودرسانی می‌کوشند. فراتر از این دو جنبه می‌توان به بعد کمالی این مفهوم اشاره کرد که رسیدن به «اکمال البرّ»، طبق حدیث امیرالمؤمنین علیه‌السلام، از طریق تحمّل خطاهای دیگران و تداوم احسان است.

از سوی دیگر، اخلاق اسلامی برّ را در چهارچوب نظام اولویت‌بندی نیز تحلیل می‌کند. براین‌اساس انسان نمی‌تواند همهٔ نیکی‌ها را یکسان انجام دهد، بلکه باید با توجه به موقعیت، نیاز و پیوندهای انسانی تصمیم بگیرد. درواقع برّ تابع سلسله‌مراتبی بر پایهٔ حقوق الهی ـ انسانی است. در روایات متعددی، بر اهمیت نیکی به والدین، خویشاوندان و نیازمندان تأکید می‌شود. معیارهای تعیین اولویت به عواملی مانند قرابت نسبی و سببی، شدّت نیاز (مساکین و ابناءالسبیل) و توان عامل (وسع) بستگی دارد.

مسئولیت‌پذیریِ بر پایهٔ برّ اخلاق را نه‌فقط در سطح نظری و عقیدتی، بلکه در زندگی روزمره و تعاملات انسانی محقق می‌سازد. براین‌اساس اگر مسلمان مفهوم برّ را در زندگی خویش نهادینه کند، به انسانی تبدیل می‌شود که هم نسبت به خداوند متعهد است و هم نسبت به بندگان او نیکوکار و هم نسبت به خود مسئول. چنین انسانی تجلی‌گاه کامل ایمان، عمل صالح و نیکی تمام‌عیار خواهد بود؛ انسانی که نه‌تنها خود اهل نیکی است، بلکه محیط پیرامون خود را نیز به سوی خیر و برکت هدایت می‌کند. این فرایند انسان را از «عامل منفعل خیر» به «فاعل متعهد در اصلاح جهان» تبدیل می‌کند؛ مسئولیتی که هم عقلانی است (إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَ الْعَمَلِ بِهِ)، هم الهی (تَواصَلوا وَ تَبارُّوا ... كما أَمَرَكُمُ اللهُ) و هم جامعه‌ساز (البِرُّ عَمَلٌ مُصلِحٌ).

برّ دارای معیارهای هنجارین چندبُعدی است:

ـ فایده‌گرایانه: پاداش اخروی (تجارت رابح)، افزایش عمر و آرامش روانی (البِرُّ ما

سَکَنَت إلَیهِ النَّفسُ ...).

ـ وظیفه‌گرایانه: امر الهی ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره/ ۱۹۵) و الگوبرداری از صفت «البَرّ» در اسماء الهی.

ـ فضیلت‌گرایانه: تبلور بِرّ در منش ابرار (حلم، عفّت، صدق و حکمت) به‌عنوان سجیهٔ ذاتی (طَبائِعُ مُحتَمِلَةٌ لِلخَیر).

در پژوهش حاضر بررسی‌ها نشان داد که مفهوم برّ در قرآن و حدیث برآمده از یک نظام اخلاقی است که معیارهای بنیادین هنجاری (وظیفه‌گرایی، فایده‌گرایی و فضیلت‌گرایی) را در بر می‌گیرد و البته از محدودیت‌های هریک فراتر رفته، الگویی متعادل و عملی برای مسئولیت‌پذیری اخلاقی ارائه می‌دهد.

منابع

۱. *قرآن کریم*.

۲. ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول*، جماعة المدرّسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۳. ابن منظور، محمّد بن مکرّم، *لسان العرب*، نشر أدب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ق.

۴. برقی، احمد بن محمّد، *المحاسن*، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ق.

۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمّد، *غرر الحکم و درر الکلم*، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۸ق.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار العلم، تهران، ۱۴۱۲ق.

۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشّاف عن حقائق غوامض التنزیل*، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.

۸. طباطبایی، محمّدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعهٔ مدرّسین، قم، ۱۴۱۷ق.

۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، قم، ۱۳۷۹ق.

۱۰. عسکری، حسن بن عبد الله، *معجم الفروق اللغویة*، دار العلم، قم، ۱۴۰۰ق.

۱۱. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم، ۱۳۸۲ش.

۱۲. کلینی، محمّد بن یعقوب، *الکافی*، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.

۱۳. لاودن، روبرت بی، «اخلاق فضیلت»، در *دانشنامهٔ فلسفهٔ اخلاق*، ترجمهٔ انشاءالله رحمتی، سوفیا، تهران، ۱۳۹۲ش.

۱۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ***کنز العمّال***، مؤسسة الرسالة، بی‌جا، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م.
۱۵. مجلسی، محمّدباقر بن محمّدتقی، ***مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول***، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۶. محمّدی ری‌شهری، محمّد، ***دانشنامهٔ قرآن و حدیث***، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۱ش.
۱۷. محمّدی ری‌شهری، محمّد، ***میزان الحکمه***، جلد ۱، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد، ***موسوعة معارف الکتاب والسنة***، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث ـ سازمان چاپ و نشر، بیروت، ۱۴۳۲ق.
۱۹. ***نهج الفصاحه: مجموعهٔ کلمات قصار حضرت رسول*** ﷺ، ترجمه و تألیف ابوالقاسم پاینده، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۰. ویلیامز، برنارد، ***فلسفهٔ اخلاق***، ترجمهٔ زهرا جلالی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۳ش.